

مختصر مفید برای مسلمان جدید

المختصر المفید للمسلم الجديد

(فارسی)

محمد الشهري



و در این کتاب که از نگاه
حجم کوچک و از نگاه محتوا
بزرگ است، هدایت یافته
جدید آنچه را که در آغاز اسلام او
نباید از آن بی خبر بماند با روش مختصر
ویژه گی های این دین بزرگ را می آموزد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شركاء التنفيذ:



المحتوى الإسلامي



رواد الترجمة



جمعية الربوة



دار الإسلام

يتاح طباعة هذا الإصدار ونشره بأي وسيلة مع
الالتزام بالإشارة إلى المصدر وعدم التغيير في النص.



Telephone: +966114454900



ceo@rabwah.sa



P.O.BOX: 29465



RIYADH: 11557



www.islamhouse.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



پیشگفتار

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ
مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا
مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ.

أما بعد:

الله متعال فرزندان آدم را کرامت بخشیده و بالای بسیاری
از مخلوقات خویش برتری داده است، الله (متعال) می
فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾

ترجمه: به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم. [الإسراء: 70]

و در کرامت این امت افزوده است طوری که بسوی آنان بهترین پیامبران خود حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) را فرستاده و بهترین کتاب های خود را بر آنان نازل نموده است، و برای آنان بزرگترین دین، اسلام، را برگزیده است، الله (متعال) می فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده اند، به نیکویی امر می کنید و از بدی ها منع می کنید و به الله ایمان دارید، و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند برای شان بهتر بود، از آنان بعضی مؤمن و بسیاری شان بدکار اند. [آل عمران : 110].

و از نعمت های بزرگ الله (متعال) بر انسان اینست که با هدایت وی بسوی اسلام، پایداری بر آن و عمل به

احکام و قوانین آن بر وی منت نهاده است، و در این کتاب که از نگاه حجم کوچک و از نگاه محتوا بزرگ است، هدایت یافته‌ء جدید آنچه را که در آغاز اسلام او نباید از آن بی‌خبر بماند با روش مختصر ویژه‌گی‌های این دین بزرگ را می‌آموزد، تا اینکه هنگامی آنرا بداند و به مطابق آن عمل نماید آغاز به طلب علم و افزایش به آن نموده تا باعث بیشتر شدن معرفت و شناخت او با پروردگار (متعال) و نبی او محمد (صلی الله علیه وسلم) و دین اسلام گردد.

تا الله (متعال) را با تمام بینش و دانایی بپرستد، و قلبش آرامش پیدا کند، و ایمان وی با نزدیک شدن به الله (متعال) به عبادت و پیروی سنت پیامبر او (صلی الله علیه وسلم) زیادتیر گردد.

و از الله (متعال) خواهانم که در هر کلمه‌ء این کتاب برکت بیاندازد، و به اسلام و مسلمانان نفع برساند و آنرا

خالص باعث خشنودی خود بگرداند و اجر آنرا برای
تمامی مسلمانان زنده و آنانیکه وفات نموده اند برساند.
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه
أجمعین.

محمد بن الشیبة الشهري

1441 / 11 / 2هـ





پروردگارم الله (متعال) است

الله (متعال) می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

ترجمه: ای مردم پروردگار خود را پرستش کنید، آنکه شما و کسان قبل از شما را آفرید، تا پرهیزگار شوید.
[البقرة: 21].

الله (متعال) می فرماید: ﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ﴾

ترجمه: او الله است که معبودی جز او نیست [الحشر: 22].

الله (متعال) می فرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

ترجمه: مانند او چیزی نیست، و او شنوا و بینا است.
[الشوری: 11].

الله (متعال) پروردگارم و پروردگار همه چیزها است، او مالک، خالق، روزی دهنده و تدبیر کننده هر چیز است.

و او تنها مستحق عبادت است، پروردگاری جز او نیست و نه معبودی جز او وجود دارد.

او نام های نیکو و صفات والایی دارد که برای خود ثابت کرده است، و پیامبر او (صلی الله علیه وسلم) نیز برای او (تعالی) ثابت نموده است، و این نامها و صفات در نهایت کمال و زیبایی رسیده است، و هیچ چیزی مانند او نیست و او شنوا و بینا است.

از نام های نیکوی وی:

الرزاق، الرَّحْمَن، القَدِير، المَلِك، السَّمِيع، السَّلَام، البصير، الوكيل، الخالق، اللطيف، الكافي، الغفور است.

الرزاق: ضامن رزق و روزی بندگان که در آن توانمندی قلب ها و بدن های آنان نهفته است.

الرحمن: صاحب مهربانی بزرگ و گسترده که همه چیز را در بر می گیرد

القدیر: دارای قدرت کامل که ضعف و ناتوانی بر او غالب نمی آید.

الملك: او با صفات عظمت، توانایی و تدبیر موصوف است، صاحب همه چیزها و تصرف کننده در آنها می باشد.

السمیع: آنکه همهء شنیدنی های پنهان و آشکار را درک می کند

السلام: منزله و پاک از هر نقصان، آفت و عیب

البصیر: آن که بینایی او همه چیز را در بر می گیرد حتی اگر خورد یا کوچک باشد، صاحب بینش در چیزها، آگاه از آنها و با خبر از باطن آنها.

الوکیل: آن که رزق و روزی مخلوقات خود را ضمانت کرده است، مراقب منافع آنها، و آن که دوستان خود را پشتیبانی کرده و برای آنها آسان می کند و آنها را از امور شان بی نیاز ساخت.

الخالق: آفریدگار چیزها و نو آور آنها بدون مثال پیشینه ای.

اللطیف: آنکه بندگان خود را گرمی می دارد، به آنها مهربانی می کند، و خواست های آنان را بر آورده می سازد.

الکافی: آنکه بندگان خود را از تمام نیازمندی های شان بسنده می شود، و آنکه به کمکش از کمک دیگران بی

نیاز می سازد، و انسان با داشتن او از هر کس دیگر مستغنی می گردد.

الغفور: آنکه بندگان خود را از شر گناهان شان نگاه میدارد، و آنها را به سبب آن مجازات نمی کند

مسلمان در مورد شگفتی آفرینش الله (متعال) و آسان سازی آن می اندیشد، و از آن جمله توجه مخلوقات از فرزندان خوردسال، و تلاش برای تغذیه آنها و مراقبت از آنها تا زمانی که به خود متکی شوند می باشد. پس پاکی است خالق آنها، که مهربان است بر آن، و از مهربانی او (تعالی) اینست که برای آنها کسی را آماده ساخت که او را کمک می کند و حالت او را با وجود ضعف کامل او بهتر می کند.





پیامبر محمد (صلی الله علیه وسلم)

الله (متعال) می فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾

ترجمه: هر آئینه فرستاده یی از خود شما به سوی شما آمد که رنج های شما بر او دشوار است، و حریص هدایت شماست و بالای مؤمنان دلسوز و مهربان است.
[التوبة: 128].

الله (متعال) می فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾

ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.
[الأنبياء: 107].

محمد (صلی الله علیه وسلم) رحمت و هدیه یی از جانب الله (متعال) است.

وی محمد فرزند عبد الله (صلی الله علیه وسلم) آخرین پیامبران و فرستادگان است، الله (متعال) او را با دین اسلام به همهء مردم فرستاده است، تا آنان را بسوی خیر که بزرگترین آن یکتاپرستی است رهنمایی نماید و از شر که بزرگترین آن شرک است منع نماید.

لازم است پیروی وی در آنچه امر نموده است، و تصدیق وی در آنچه خبر داده است، واجتناب از آنچه نهی و منع نموده است، و برستش اوبه شیوه شود که در شریعتش بیان نموده است.

پیام محمد (صلی الله علیه وسلم) و پیام تمامی پیامبران قبل از وی دعوت بسوی پرستش الله یگانه که شریکی ندارد می باشد.

از صفات وی (صلی الله علیه وسلم):

راستی، مرحمت، بردباری، صبر، شجاعت، کرم،
اخلاق نیکو، عدل، فروتنی و بخشش است.





قرآن کریم کلام پروردگارم است

الله (متعال) می فرماید: ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ
مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ﴾

ترجمه: ای مردم! دلیل آشکاری از جانب پروردگارتان
بسوی شما آمد و بسوی شما نور آشکاری را فرستادیم.
[النساء: 174].

قرآن کریم کلام الله (متعال) است که آنرا بر پیامبر خود
محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل نموده است تا مردم
را از تاریکی ها بسوی روشنایی بکشاند و آنان را بسوی
راه راست رهنمایی کند.

هر کس آن را تلاوت کند او را اجر بزرگی است، و هر آنکه به رهنمایی آن عمل کند بسوی راه درست راهیاب شده است.





با ارکان اسلام آشنا می شوم

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمودند: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ، شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ.**

ترجمه: اسلام بر پنج بنا استوار است، گواهی بر اینکه هیچ معبودی بر حق بجز الله نیست و اینکه محمد فرستاده الله (متعال) است، و برپایی نماز، و دادن زکات، و روزه رمضان و حج خانه کعبه.

ارکان اسلام عباداتی است که بر هر مسلمان لازم می باشد، و اسلام انسان تا وقت صحت نمی یابد تا که معتقد به وجوب و عمل کردن به همه آنها نباشد، زیرا اسلام بر

این ارکان بنا نهاده شده است و به همین سبب بنام ارکان اسلام نامیده شده اند.

و این ارکان عبارت اند از:

رکن اول: گواهی دادن لا اله الا الله وأنَّ محمداً رسول الله (هیچ معبودی بر حق جز الله نیست و محمد رسول الله (متعال) است).

الله (متعال) می فرماید: ﴿فَاعْلَمُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾

ترجمه: بدان که معبود بر حقی بجز الله نیست. [محمد: 19].

الله (متعال) می فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾

ترجمه: هر آئینه فرستاده یی از خود شما به سوی شما آمد که رنج های شما بر او دشوار است، و حریص هدایت شماست و با مؤمنان دلسوز و مهربان است. [التوبة: 128].

معنای گواهی بر لا إله إلا الله: نیست معبود بر حق بجز الله (متعال).

معنای گواهی این که محمد رسول الله است: پیروی وی در آنچه امر کرده است، تصدیق وی در آنچه خبر داده است، اجتناب از آنچه منع و نهی کرده است، و الله (متعال) عبادت نگردد بجز آنچه جایز گردانیده است.

رکن دوم: برپایی نماز

الله (متعال) می فرماید: ﴿وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ﴾

ترجمه: و نماز را بر پا دارید. [البقرة: 110].

برپایی نماز با ادای آن به طریقه یی انجام می یابد که الله (متعال) آنرا مشروع گردانیده و رسول او (صلی الله علیه وسلم) آنرا برای ما آموختانده است.

رکن سوم: پرداخت زکات

الله (متعال) می فرماید: ﴿وَأْتُوا الزَّكَاةَ﴾

ترجمه: و زکات را بپردازید. [البقرة: 110].

الله (متعال) زکات را آزمایشی برای راستی ایمان مسلمان و ادای شکر پروردگارش به آنچه از نعمت مال بر وی ارزانی نموده است و همکاری با فقیران و محتاجان فرض گردانیده است..

و با پرداخت زکات به مستحقان آن ادا می گردد.

و آن عبارت از حق واجب در مال است هنگامی که به یک مقدار معین می رسد، به گروه هشتگانه که الله (متعال) آنان را در قرآن کریم یاد کرده است پرداخته می شود و از آن جمله فقیر و مسکین اند.

و با ادای آن مسلمان متصف به رحمت و نرم دلی می گردد، و باعث پاکی اخلاق مسلمان و اموال او و

خرسندی فقیران و مساکین و باعث تقویت محبت و برادری در میان افراد جامعه مسلمان می گردد. بنابراین مسلمان نیکوکار آن را از ته دل در حالی پرداخت می کند که با ادای آن احساس سعادت و خشنودی می نمایند زیرا در انجام آن خشنود ساختن مردم است.

و مقدار زکات اموال 2.5% از مال پس انداز مانند طلا، نقره، پول نقد، اموال تجارتي که آماده خرید و فروش جهت بدست آوردن فایده بوده باشد می باشد مشروط بر اینکه قیمت آن به مقدار معینی رسیده و بر آن یکسال کامل گذشته باشد.

همچنان زکات بر کسی فرض می گردد که تعداد معینی از چار پایانی داشته باشد (شتر، گاو، گوسفند)، که در اکثر سال از علف خودروی زمین بخورند بدون اینکه صاحب شان برای شان علف آماده بسازد.

همچنان زکات از آنچه از زمین مانند غله، میوه، معدن و گنج خارج می شود هنگامی که به مقدار معینی برسد فرض می گردد.

رکن چهارم: روزهء ماه رمضان

الله (متعال) می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۱۰﴾**

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما فرض گردیده است همانگونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] فرض شده بود تا پرهیزگار شوید [البقرة: 110].

رمضان ماه نهم سال هجری است، و آن ماه بزرگست نزد مسلمانان و از جایگاه ویژه یی از بقیه ماه های سال برخوردار است، و روزهء کامل آن از ارکان پنجگانهء اسلام است.

روزه رمضان عبارت از پرستش الله (متعال) با اجتناب از خوردن، نوشیدن، همبستری با خانم، و سایر شکننده های روزه از طلوع فجر تا غروب آفتاب در همه روزهای ماه مبارک رمضان می باشد.

رکن پنجم: حج بیت الله

الله (متعال) می فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾

ترجمه: و برای خداوند بالای مردم حج خانه [کعبه] واجب است برکسی که توانایی رسیدن به آنجا را دارد [آل عمران : 97].

حج برای کسانی که توانایی ادای آن را دارند یکبار در زندگی فرض است، و آن رفتن به بیت الله الحرام و اماکن مقدس در مکه مکرمه برای انجام عبادات خاص در یک زمان معین می باشد. رسول الله (صلی الله علیه

وسلم) و سایر انبیاء (علیهم السلام) قبل از وی حج نموده اند و الله (متعال) ابراهیم (علیه السلام) را امر نمود تا مردم را برای حج فرا بخواند، چنانچه الله (متعال) از آن در قرآن کریم خبر داده و فرموده است: ﴿وَأُذِّنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ ترجمه: و مردم را به حج فرا بخوان تا پیاده و [سوار] بر مرکب های لاغر از هر راه دور بسوی تو بیایند [الحج : 27].





با ارکان ایمان آشنا می شوم

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) درباره ایمان پرسیده شد، در جواب فرمودند: اینکه به الله، فرشتگان وی، کتاب های وی، پیامبران وی، روز آخرت و قدر خیر و شر آن ایمان بیاوری. ارکان ایمان عبادت های قلبی اند که بر هر مسلمان لازم اند و اسلام انسان بجز اینکه به آنها اعتقاد داشته باشد درست نمی شود، به همین دلیل آنها ارکان ایمان نامیده شده اند. و فرق بین ارکان ایمان و ارکان اسلام در این است که ارکان اسلام اعمال ظاهری اند که انسان آنها را با اعضای بدن خود مانند تلفظ به شهادتین، نماز و زکات انجام می دهد و ارکان ایمان اعمال قلبی اند که انسان آنها را به قلب خود مانند ایمان به الله، کتابها و پیامبران وی انجام می دهد.

مفهوم و معنای ایمان: تصدیق قاطع قلب به الله، فرشتگان او، کتابهای او، پیامبران او، و روز آخرت، و تقدیر خیر و شر، و پیروی از هر آنچه که رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آنها آورده است و عمل به آن، با گفتن با زبان، مانند گفتن لا اله الا الله، و خواندن قرآن، و تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله)، و ستایش الله (متعال)

و انجام دادن آن با اعضای بدن مانند نماز، حج و روزه..... و اعضای باطنی متعلق با قلب مانند دوست داشتن الله (متعال)، و ترس از او، و توکل بر او و اخلاص به وی می باشد.

و متخصصان آنها به طور مختصر چنین تعریف می کنند که: اعتقاد به قلب، و گفتار با زبان، عمل با اعضای بدن که با اطاعت و پیروی افزایش می یابد و با گناه و نافرمانی کاهش می یابد.

رکن اول: ایمان به الله (متعال)

الله (متعال) می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ﴾

ترجمه: یقیناً مؤمنان کسانی اند که به الله ایمان آورده اند [النور: 62].

ایمان به الله (متعال) مستلزم توحید و یکتاپرستی او در ربوبیت، الوهیت، اسماء و صفات او تعالی است، که شامل موارد ذیل می باشد:

- ایمان به وجود او (سبحانه و تعالی).
- ایمان به ربوبیت (پروردگار بودن) او، و اینکه او (تعالی) مالک، خالق، رازق و مدبر امور است.
- ایمان به اولوهیت او (سبحانه و تعالی) و اینکه او شایسته عبادت به یگانگی و بدون شریک ساختن با وی در هیچ چیز مانند نماز، دعا، نذر، ذبح، طلب کمک، طلب پناه و همه عبادات دیگر است.

- ایمان به نام های نیکو و صفات والای الله (متعال)، که او و پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) برای وی ثابت ساخته اند و نفی آنچه را او تعالی در مورد خود نفی کرده است و یا پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از وی از نام ها و صفات نفی کرده است می باشد. و اینکه نامها و صفات او تعالی در کمال و نیکویی به بالاترین منزلت رسیده است و اینکه مانند او تعالی چیزی نیست و او تعالی شنوا و بیناست.

رکن دوم: ایمان به فرشتگان

الله (متعال) می فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

ترجمه: ستایش الله را است که آفریننده یی آسمانها و زمین است، فرشتگان را پیام آوران که دارای بال های

دو گانه و سه گانه و چهار گانه گرداند هر چه بخواهد در آفرینش می افزاید، هر آئینه الله (متعال) بر هر چیز قادر است. [فاطر: 1].

ایمان می آوریم به اینکه فرشتگان مخلوقات غیبی هستند و آنان بندگان الله (متعال) هستند که آنها را از نور آفرید و آنها را مطیع و فرمانبردار او (تعالی) ساخت. و آنها خلق بزرگی هستند که فقط الله (متعال) به نیرو و تعداد آنها آگاهی دارد، و هر یک از آنها دارای ویژگیها، نامها و مسئولیت هایی هستند که الله (متعال) برای آنها مشخص نموده است و از جمله آنها جبرئیل (علیه السلام) است که مکلف به وحی می باشد، که آنرا از سوی الله (متعال) بر پیامبرانش نازل می کند.

رکن سوم: ایمان به کتابها

الله (متعال) می فرماید: ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾

ترجمه: بگوئید ما به الله (متعال) و به آنچه بر ما نازل شده است و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده است و به آنچه به موسی و عیسی داده شده است و به آنچه به پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است ایمان آورده ایم، میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و برای او (تعالی) تسلیم هستیم [البقرة: 136].

اعتقاد راسخ که تمام کتاب های آسمانی کلام الله (متعال) هست.

و آن کتابها از جانب الله (متعال) بالای پیامبرانش برای بندگانش با حقیقت آشکار نازل شده است.

و الله (متعال) با فرستادن پیامبرش محمد (صلی الله علیه و سلم) برای همه مردم، و به شریعت که تمام شریعت های قبلی را نسخ کرده است، و قرآن کریم را بر همه کتاب های آسمانی مسلط و ناسخ گردانیده است. و الله (متعال) ضمانت حفظ و نگهداری قرآن کریم را از هر نوع تغییر و تحریف نموده است، الله (متعال) می فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ ترجمه: ما قرآن را نازل کردیم، و ما به یقین آن را حفاظت می کنیم [الحجر : 9]؛ زیرا که قرآن کریم آخرین کتاب های الله (متعال) بسوی بشر است، و پیامبر وی محمد (صلی الله علیه و سلم) آخرین پیامبران و دین اسلام دینی است که الله (متعال) آنها را برای بشر تا برپایی قیامت برگزیده است، الله (متعال) می فرماید: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

ترجمه: یقیناً که دین [برگزیده] نزد الله (متعال) اسلام است. [ال عمران: 19].

و کتاب های آسمانی یی که الله (متعال) آنرا در کتاب خود ذکر نموده است عبارت اند از:

قرآن کریم: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل نموده است.

تورات: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش موسی (علیه السلام) نازل نموده است

انجیل: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش عیسی (علیه السلام) نازل نموده است

زبور: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش داوود (علیه السلام) نازل نموده است

صحیفه های ابراهیم: الله (متعال) آنرا بر پیامبرش ابراهیم (علیه السلام) نازل نموده است.

رکن چهارم: ایمان به پیامبران

الله (متعال) می فرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ
اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾

ترجمه: و هر آئینه ما در هر امتی پیامبری فرستادیم که
الله را بپرستید و از طاغوت اجتناب ورزید [النحل: 36].

تصدیق راسخ که الله (متعال) در هر امتی پیامبری
فرستاده است که آنها را بسوی عبادت الله یکتا که او را
شریکی نیست و به کفر هر آنچه که غیر از او تعالی
پرستش می گردد دعوت کند .

و این حقیقت است که همه پیامبران بشر، مردان و بنده
های الله (متعال) هستند و آنان راستگو، و تصدیق
شوندگان، و پرهیزگار، امین، و رهنمائی کنندگان هدایت
شده هستند، الله (متعال) آنان را با معجزه هایی که
دلالت بر صدق و راستی شان می کند و اینکه آنان همه

آنچه را که الله (متعال) آنان را به آن ارسال کرده است رسانیده اند حمایت کرده است و اینکه همه آنان بر حق آشکار و هدایت روشن اند.

و دعوت آنها از اول تا آخر آنان در اصل دین که همانا توحید الله (عزوجل) در عبادت و عدم شریک ساختن با وی است یکسان بوده.

رکن پنجم: ایمان به روز آخرت

الله (متعال) می فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾

ترجمه: هیچ معبودی بر حق جز او نیست، و به یقین همه شما را در روز آخرت که در آن شک نیست جمع می کند، و کیست که از الله راستگوتر باشد. [النساء: 87].

تصدیق راسخ به هر آنچه که به روز آخرت تعلق می گیرد، که پروردگار ما (عزوجل) در کتاب کریم خود از

آن به ما خبر داده است و یا پیامبر ما محمد - صلی الله علیه وسلم - به ما گفته است، مانند مرگ انسان، دوباره زنده شدن، بیرون آمدن از قبرها، شفاعت، میزان، حساب، بهشت، جهنم، و سایر اموری که به آخرت تعلق می‌گیرد.

رکن ششم: ایمان به تقدیر خیر و شر

الله (متعال) می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾

ترجمه: ما هر چیزی را به اندازه آفریده ایم [القمر: 49].

اعتقاد به اینکه هر آنچه که بر مخلوقات از حوادث در این جهان اتفاق می‌افتد، با علم و تقدیر و تدبیر الله (سبحانه و تعالی) که یگانه است و او را شریکی نیست می‌باشد. و این مقدرات قبل از پیدایش انسان نوشته شده است، و اینکه انسان دارای اراده و خواست است، و اینکه او انجام دهنده اعمال خود بر اساس حقیقت

است، مگر این همه از علم، اراده و خواست الله (متعال) خارج نمی شود.

پس ایمان به قدر به چهار مرتبه استوار است:

اول: ایمان به علم الله (متعال) که شامل و در برگیرنده هر چیز است.

دوم: ایمان به اینکه الله (متعال) هر آنچه را که تا روز قیامت رخ می دهد نوشته است.

سوم: ایمان به خواست الله (متعال) که تنفیذ می گردد و قدرت تام او (تعالی)، پس هر آنچه را بخواهد می شود و آنچه را نخواهد نمی شود

چهارم: ایمان به اینکه الله (متعال) پیدا کننده هر چیز است، او را در خلقش شریکی نیست.





وضوء را می آموزم

الله (متعال) می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

ترجمه: هر آئینه الله (متعال) توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد [البقرة: 22].

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوءِي هَذَا).

ترجمه: مانند این وضویم، وضوء کن.

از اهمیت زیاد نماز اینست که الله (متعال) طهارت و پاکی را قبل از آن مشروع گردانیده است، و آن را شرط صحت آن قرار داده است، و آن کلید نماز است و

دانستن فضیلت آن قلب را مشتاق به ادای نماز می گرداند.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: **(الطهور شطر الإيمان.. والصلاة نور).**

ترجمه: طهارت جز ایمان است، و نماز روشنایی است. و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (من توضأ فأحسن الوضوء خرجت خطایاه من جسده). ترجمه: کسی که بگونهء خوب وضوء کرد گناهان وی از بدنش خارج می گردد

پس بنده با طهارت حسی با گرفتن وضو و معنویت ادای این عبادت با اخلاص با الله (متعال)، به پیروی از راهنمایی پیامبر - (صلی الله علیه وسلم) - به حضور پروردگار خود می ایستد.

آنچه که وضو برایش لازم است:

1- مطلق نماز ، اگر فرض باشد یا نفل .

2- طواف کعبه

3- دست زدن به قرآن کریم

با آب پاک وضو و غسل می کنم

آب پاک کننده هر آن آبی است که از آسمان پائین آمده باشد و یا از زمین خارج گردیده باشد و بر اصل پیدایش خود باقی مانده باشد و یکی از اوصاف سه گانه آن به چیزی که پاکی آب را از بین میبرد تغییر نکرده باشد، و آنها عبارت اند از: رنگ، مزه و بوی.

وضوء کردن را می آموزم

قدم اول: نیت و جای آن در قلب است، و معنای نیت اینست که کسی در قلب خویش بر انجام عبادت بخاطر تقرب بسوی الله (متعال) قصد کند

قدم دوم: شستن دستان (تا بند آن)

قدم سوم: مضمضه یا شستن دهن.

مضمضه اینست که آب را در دهن بیاندازد و آنرا در داخل دهن حرکت دهد سپس آنرا از دهن بیرون پرتاب کند.

قدم چهارم: استنشاق یا شستن بینی

استنشاق کشیدن آب داخل بینی با نفس عمیق

سپس کشیدن آنچه از کثافت و غیره در بینی می باشد با نفس

قدم پنجم: شستن روی

حدود روی:

روی آنست که به آن مواج‌هت (رویاری) صورت می‌گیرد.

و اندازه آن از نگاه عرض: از یک گوش تا گوش دیگر
و اندازه آن از نگاه طول: از جای بر آمدن معتاد موی سر تا آخر ذنق است.

موی خفیف موجود بر روی شامل شستن می‌گردد و همچنان سفیدی میان روی و گوش و (عذار) بر آمدگی گوش در مقابل سوراخ گوش نیز شامل شستن می‌گردند.

بیاض و سفیدی: بین بر آمدگی مقابل سوراخ گوش و نرمی گوش است

و عذار: مویی که بر برآمدگی مقابل سوراخ گوش بسوی سر و آنچه بسوی بیرون گوش مایل شده است را می گویند

و همچنان شستن رو شامل ریش انبوه و آنچه از آن دراز شده است می باشد

قدم ششم: شستن دست ها ابتداء از سر انگشتان دست تا به آرنج ها.

و آرنج ها در فرض شستن دست ها شامل می گردد.

قدم هفتم: یکبار مسح همه سر با دو دست همراه با گوشها .

از پیشروی سر آغاز می کند و آنرا بسوی پشت سر خود می برد و سپس بر می گرداند.

و انگشتان شهادت خود را داخل گوش های خود می کند.

و انگشتان بزرگ (شصت) دست خود را بر بیرون گوش خود می گرداند و به این شکل داخل و بیرون گوش را مسح می کند.

قدم هشتم: شستن پاها از آغاز انگشتان پاه تا بجلک ها (قوزکها) ، و بجلک ها (قوزکها) در فرض شستن پاها داخل می باشد.

بجلک ها، دو استخوان های بیرون بر آمده در پایان ساق پا است.

نواقض وضوء:

1- خارج از سیلین مانند ادرار، غائط، باد، منی و مزی.
زوال عقل به خواب عمیق، یا بی هوشی، یا نشه شدن و یا دیوانگی.

3- هر آنچه باعث وجوب غسل می گردد مانند جنابت، حیض و نفاس.

اگر شخصی نیاز خود را برطرف کرد، باید ناپاکی را با آب پاک کننده (و این بهتر است) و یا بدون آب پاک کننده که با آن ناپاکی از بین می رود مانند سنگ، برگ، پارچه و همانند آن، به شرط انجام این کار سه بار پاک کننده و یا بیشتر و یا با چیزی پاک و مباح دور کند.





مسح بر بوت ها و جراب ها

در صورت پوشیدن کفش ها و یا جراب ها می شود که بر آنها بدون اینکه نیازی برای شستن پاها باشد مسح شود ، البته به شروط ذیل باید مسح کرد:

1- پوشیدن آنها بعد از طهارت کامل از ناپاکی های خورد و بزرگ که در آن ها پاها شسته شده اند صورت گرفته باشد.

2- کفش ها و جراب ها باید از نجاست پاک باشد.

3- مسح در مدت محدود آن صورت گرفته باشد.

4- باید حلال باشد، دزدی و یا غصب شده نباشند.

کفش ها عبارتند از: آنچه از پوست نازک و مانند آن در پا پوشیده می شود و مانند آن پاپوش هایی که قدم های انسان را می پوشاند.

جراب ها عبارتند از: پارچه و مانند آن که انسان در پا می کند.

حکمت مشروعیت مسح بر کفش ها
حکمت مسح بر کفش ها آسانی و تخفیف بر مسلمانانی است که کشیدن کفش ها و یا جراب ها و شستن پاها بخصوص در فصل زمستان و سرمای شدید و هنگام مسافرت بر آنها دشوار می باشد.

مدت زمان مسح:

برای مقیم: یک شبانه روز (24 ساعت)

برای مسافر: سه شبانه روز (72 ساعت).

حساب زمان مسح از اولین مسح بر کفش ها و یا جراب ها بعد از بی وضویی آغاز می گردد.

چگونگی مسح بر کفش ها و جراب ها:

- 1- دست ها تر می شوند.
- 2- دست بر سر پا گذاشته می شود (از سوی انگشتان پا بسوی ساق پا).
- 3- پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح می گردد.

نواقض (شکننده‌های) های مسح:

- 1- موجبات غسل (هر آنچه که غسل را واجب می گرداند).

2- پایان رسیدن مدت زمان مسح.





الغسل

اگر مرد یا زنی رابطه جنسی برقرار کردند، و یا منی در هنگام بیداری یا خواب با شهوت از آنها بیرون شود، بر آنها غسل واجب می‌گردد تا بتوانند نماز خود را ادا نمایند و یا عبادتی را انجام دهند که برای آن طهارت لازم است. همین‌گونه اگر زنی از عادت ماهوار (حیض) یا نفاس پاک‌گردد بر وی غسل لازم می‌گردد تا بتواند نماز بخواند و یا عبادتی را انجام دهد که برای آن طهارت لازم است.

چگونگی غسل قرار ذیل است:

شخص مسلمان آب را به تمام بدن خود به هر نحوی که باشد برساند و بریزاند، که از آن جمله مضمضه و

استنشاق است، و اگر آب به تمام بدن وی رسید ناپاکی بزرگ از وی رفع می گردد و طهارت او کامل می گردد. شخص جنب تا اینکه غسل نکند نمی تواند امور ذیل را انجام دهد:

- 1- نماز
- 2- طواف کعبه.
- 3- ماندن در مسجد، و گذشتن از مسجد بدون ماندن جواز دارد.
- 4- دست زدن به قرآن کریم.
- 5- تلاوت قرآن کریم.





تیمم

اگر شخص مسلمان آب نیافت که با آن طهارت کند ، و یا به سبب بیماری و غیره نتوانست آب را استعمال کند ، و یا ترس آن را داشت که وقت نماز از وی فوت میشود میتواند با خاک (پاک) تیمم نماید.

طریقه تیمم این است که با دستان خود یکبار به خاک بزند سپس به روی و دستان خود مسح کند. و شرط اینست که خاک باید پاک باشد.

تیمم به امور ذیل باطل میگردد:

1- آنچه وضو را باطل میسازد تیمم را نیز باطل میسازد.

2- اگر قبل از آغاز عبادت آب پیدا شود تیممی که برای آن انجام یافته بود باطل می‌گردد.





نماز را می آموزم

الله (متعال) در یک شبانه روز پنج وقت نماز را بالای هر مسلمان فرض نموده است که آن عبارت اند از: نماز فجر، ظهر، عصر، مغرب و عشاء.

برای نماز آماده می شوم

هنگامی که وقت نماز داخل شد شخص مسلمان از ناپاکی خورد و اگر به ناپاکی بزرگی مبتلا باشد از ناپاکی بزرگ طهارت می کند.

ناپاکی بزرگ عبارت از آنچه است که بر مسلمان غسل را واجب می گرداند.

ناپاکی کوچک : بر شخص مسلمان وضو را فرض می گرداند.

شخص مسلمان با لباس های پاکیزه و در جای پاک از نجاست ها و بعد از پوشانیدن عورت خود نماز می خواند.

شخص مسلمان هنگام نماز به لباس های شایسته خود را مزین ساخته و بدن خود را به آن می پوشاند، و برای مرد جایز نیست که در هنگام نماز جایی در میان ناف و زانو آشکار گردد.

بر زن فرض است که تمامی بدن خود را بجز روی و دو کف دست خود بپوشانند.

شخص مسلمان در نماز بجز به اقوال خاص به نماز صحبت نمی کند، و به امام گوش می دهد، و در نماز خود بی توجهی نمی کند و اگر نتوانست اقوال خاص به

نماز را حفظ کند پس او ذکر و تسبیح الله (متعال) را می گوید تا آنکه از نماز فارغ شود، و بر وی یاد گرفتن نماز و اقوال آن لازم می باشد.

نماز خود را می آموزم

قدم اول: نیت نماز فرضی که عزم ادای آن را دارم و محل نیت قلب است.

بعد از وضوکردن، بسوی قبله ایستاده می شوم، و اگر به ایستادن قادر بودم ایستاده نماز می خوانم.

قدم دوم: دستان را برابر شانه های خود بلند نموده و نیت نموده داخل نماز میشوم و می گویم (الله اکبر).

قدم سوم: دعای آغاز نماز را چنانچه وارد شده است می خوانم، و از جمله این دعا است: **(سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ).**

قدم چهارم: از شیطان رانده شده به الله (متعال) پناه برده
و می گویم: **(أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ).**

قدم پنجم: سوره فاتحه را در هر رکعت می خوانم و آن
عبارت است از: **(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1) الْحَمْدُ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4)
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (5) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (6)
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الضَّالِّينَ (7)).**

بعد از خواندن فاتحه آنچه از قرآن کریم میسر گردید
تنها در رکعت اول و دوم هر نماز می خوانم، و این فرض
نیست مگر در خواندن آن اجر بزرگی است.

قدم ششم: (الله اکبر) می گویم سپس رکوع می روم تا
آنکه کمرم راست شود و دستانم در حالیکه انگشتانم

گشاده است بر زانویم میگذارم، سپس در رکوع (سبحان ربی العظیم) می گویم.

قدم هفتم: از رکوع با گفتن (سمع الله لمن حمده) بالا می شوم و دستانم را برابر با شانه هایم بالا می کنم، و وقتی بدنم در حال ایستاده آرام گرفت (ربنا ولك الحمد) می گویم.

قدم هشتم: (الله اکبر) می گویم و بر دو دست، وزانوها، وپاها، وپیشانی و بینی سجده می کنم و در سجده خود (سبحان ربی الاعلی) می گویم.

قدم نهم: (الله اکبر) می گویم و از سجده بالا می شوم تا کمرم در حال نشسته بر پای چپ و ایستادن پای راستم مستقیم شود و (ربی اغفر لی) می گویم.

قدم دهم: (الله اکبر) می گویم و مانند سجده اول دوباره سجده می کنم.

قدم یازدهم: از سجده با گفتن (الله اکبر) بالا می شوم تا اینکه راست ایستاده شوم، و در رکعات باقیمانده نماز آنچه در رکعت اول انجام دادم انجام می دهم.

بعد از رکعت دوم در نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء برای خواندن تشهد اول می نشینم و آن عبارت است از:
(التحيات لله والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله)

بعد از آن به رکعت سوم ایستاده می شوم. بعد از رکعت اخیر هر نماز برای خواندن تشهد آخر می نشینم و آن عبارت است از: **(التحيات لله والصلوات والطيبات، السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته، السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين، أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، اللهم صلّ على محمد وعلى آل محمد، كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد**

مجید. اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد، كما باركت
على إبراهيم وعلى آل إبراهيم، إنك حميد مجيد)

قدم دوازدهم: بعد از آن به نیت خارج شدن از نماز
بسوی راستم سلام می دهم و می گویم: (السلام علیکم
ورحمة الله) و بسوی چپم سلام می دهم و می گویم:
(السلام علیکم ورحمة الله)، و به این ترتیب نماز خود را
ادا کرده ام.





حجاب زن مسلمان

الله (متعال) می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِجَالِكُمْ
وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ
أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

ترجمه: ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان
بگو روی سری های خود را بر خویش بیاندازند، این کار
برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر
است و الله (متعال) بسیار آمرزنده و مهربان است.
[الأحزاب: 59].

الله (متعال) بر زن مسلمان حجاب، ستر عورت و
پوشانیدن تمام بدن او را از مردهای بیگانه با لباس مروج
در کشورش واجب گردانیده است، و برداشتن حجاب
برای او بجز در مقابل شوهرش و یا کسانی که برای وی

محرم هستند جایز نیست، و آنها (محارم) عبارتند از: کسانی که برای زن مسلمان ازدواج برای ابد با آنها جایز نیست، و آنها عبارتند از: پدر و مافوق آن (یعنی پدر کلان)، فرزند و ما تحت آن (یعنی نواسه)، کاکاها، ماماها، برادر، و برادرزاده و خواهرزاده، شوهر مادر، پدر شوهر و اگر بالا برود، و فرزند شوهر و مافوق آن، و برادر رضاعی، و شوهر مادر رضاعی، و آنچه در نسب حرام است در رضاعت نیز حرام است.

زن مسلمان در لباس خود چندین ضوابط را باید مراعات کند:

اول: باید تمام بدن را بپوشاند.

دوم: آنچه زن برای زینت می پوشد نباشد.

سوم: نباید شفاف باشد که بدن وی از آن آشکار گردد.

چهارم: باید گشاده بوده و تنگ نباشد که جسم او را نمایان سازد.

پنجم: خوشبو نباشد.

ششم: مشابه با لباس مردان نباشد.

هفتم: مشابهت با لباس زنان غیر مسلمان که برای عبادت ها و عیدهایشان میپوشند نداشته باشد.





از ویژه کی های مومن

الله (متعال) می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

ترجمه: هر آئینه مومنان کسانی هستند که وقت یاد الله (متعال) شود قلب های شان ترسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود ایمان شان افزون می گردد و بر پروردگارشان توکل دارند. [الأنفال: 2]

در سخن خود راستگو بوده و دروغ نمی گوید.

به پیمان و وعده وفا می کند.

هنگام خصومت دشنام نمی دهد.

امانت را ادا می کند.

آنچه را برای خود می پسندد برای برادر مسلمان خود
هم می پسندد .

سخاوتمند می باشد

به مردم نیکی می کند.

صله رحمی میکند.

به قضا و قدر الله (متعال) راضی می باشد و در حال
آسایش شکر او (تعالی) را ادا کرده و در حال مصیبت
صبر و شکیبایی می نماید.

آراسته به صفت حیا می باشد.

بر مخلوق رحم می کند.

دل او از کینه و اعضای بدنش از تجاوز بر دیگران سالم
می باشد.

مردم را می بخشد.

سود نمی خورد و به آن تعامل نمی کند.

از زنا دوری می جوید.

شراب نمی نوشد.

با همسایه های خود نیکی می کند.

ستم و خیانت نمی کند.

دزدی نمی کند و فریب نمی دهد.

با والدین خود ولو که غیر مسلمان باشند نیک رفتار بوده و در نیکویی از آنها اطاعت می کند.

فرزندان خود را با فضیلت تربیت می کند، آنها را به فرایض شرعی امر می کند و از بدی و اشیای حرام منع می کند.

همانند اعمال غیر مسلمانان در آنچه ویژه یی دین و یاعادات آنها می باشد که خصوصیت و یا شعار آنان گردیده است انجام نمی دهد.





خشنودی من در دین اسلام است

الله (متعال) می فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

ترجمه: هر کس عمل صالح کند از مردان و یا زنان در حالی که مؤمن است، به او زندگی پاکیزه می بخشیم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده اند، خواهیم داد [النحل: 97].

یکی از بزرگترین چیزهایی که خشنودی، فراخی و سعادت را در قلب مسلمان وارد می کند، ارتباط مستقیم او با پروردگارش می باشد، بدون اینکه زنده ها، مرده ها و بت ها را واسطه قرار دهند. الله (متعال) در قرآن کریم فرموده که او همیشه نزدیک بندگانش می باشد،

صدای آنها را می شنود و دعاها را می پذیرد، چنانچه او (تعالی) می فرماید: **﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾**

ترجمه: و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند (بگو) من نزدیکم! دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند میپذیرم، پس آنها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راهیاب شوند. [البقرة: 186]،

و الله (سبحانه و تعالی) ما را امر کرده است تا او را دعا کنیم، و این موضوع یکی از بزرگترین عباداتی است که به وسیله آن مسلمان به پروردگارش نزدیک می شود، چنانچه الله (متعال) می فرماید: **﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾**

ترجمه: و پروردگار تان گفت از من بخواهید تا (دعای) تان را اجابت کنم [غافر: 60]

پس مسلمان صالح همیشه به پروردگار خود محتاج است، همیشه در برابر او دعا می کند و همیشه با عبادات نیک بسوی او تقرب می جوید.

الله (متعال) ما را در این جهان برای حکمت بزرگی آفرید و ما را بی هوده نیافرید است؛ و آن تنها عبادت او است بدون همتا با او، و او برای ما دین جامع را وضع کرد که همه امور زندگی خصوصی و عمومی ما را سازماندهی و تنظیم می کند، و با این شریعت عادلانه ضروریات زندگی را که دین، زندگی، عزت، عقل های ما و مال ما می باشد حفظ کرده است. و هرکسی که مطابق این اوامر شرعی زندگی می کند و از امور حرام پرهیز می کند، در حقیقت این ضرورت ها را حفظ کرده است

و بدون شک زندگی خوشبخت و مطمئن را سپری نموده است.

و پیوند مسلمان با پروردگارش عمیق است، که باعث آرامش و راحت روانی، احساس به سکون، امن، خوشبختی و احساس همراه بودن پروردگار عز وجل عنایت و ولایت او برای بنده مومن می باشد. الله (متعال) می فرماید: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾

ترجمه: الله (متعال) یاور و کارساز مؤمنان است ، آنها را از تاریکیهای (کفر) بسوی نور (ایمان) بیرون می برد. [البقرة: 257].

این پیوند بزرگ حالت عاطفی یی است که انسان را به لذت بردن از عبادت الله (متعال) و اشتیاق بسوی ملاقات با او جلب می کند و او با قلب خود در آسمان خوشبختی ها و با احساس شیرینی ایمان پرواز می کند.

شیرینی که لذت آن را فقط کسی می تواند توصیف کند که آن را با انجام طاعات و اجتناب از گناهان چشیده است. به همین دلیل رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (ذاق طعم الإیمان من رضی بالله رباً وبالإسلام دیناً وبمحمد رسولاً). ترجمه: آنکه به پروردگاری الله و دین اسلام و پیامبری محمد (صلی الله علیه وسلم) خشنود گردید لذت ایمان را چشید.

آری! هرگاه شخصی حضور دائمی خود را در پیشروی خالق خود احساس کند، و او را با نامها و صفات زیبایش بشناسد، او را طوری عبادت کند گویا او را می بیند، و در عبادت خود با الله (متعال) صادق باشد، و به آن بجز خشنودی الله (متعال) را نخواهد، او در دنیا زندگی خوب و پر سعادت و در آخرت عاقبت نیکی خواهد داشت.

حتی مصیبت هایی که در دنیا بر مومن وارد می شود، مشکلات آن با آسانی های یقین، و رضایت به مقدرات الهی، و ستایش او بر تمام تقدیرات خیر و شر و رضایت کامل از آن از بین می رود.

از جمله مواردی که مسلمان برای افزایش سعادت و آرامش باید به آن توجه داشته باشد، ذکر زیاد الله (متعال) و تلاوت قرآن کریم است، چنانکه الله (متعال) می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

ترجمه: آنانی که ایمان آورده اند و قلب های شان به یاد الله آرام می گیرد، آگاه باشید که با یاد الله قلب ها آرامش می یابند. [الرعد: 28].

وبه هر اندازه که مسلمان بیشتر ذکر الله (تعالی) و تلاوت قرآن کریم را بجا می آورد، ارتباط او با الله (متعال)

افزایش می یابد و نفس ها پاک شده و ایمان او قوی می شود.

همچنان بر مسلمان لازم است تا بر آموختن امور دین خود از منابع درست تلاش کند، تا الله (متعال) را با بصیرت عبادت نماید.

رسول الله - صلی الله علیه و سلم - می فرماید: **(طلب العلم فریضة علی کل مسلم)**،

ترجمه: آموختن علم بر هر مسلمان فرض است. و باید به اوامر الله (متعال) که او را آفریده است مطیع و فرمانبردار باشد، ولو که حکمت آنها بداند و یا نداند، الله (متعال) در قرآن کریم می فرماید: **﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾**

ترجمه: هیچ مرد و زن مومن حق ندارد هنگامی که الله (متعال) و پیامبرش امری را لازم بدانند اختیاری از خود داشته باشد، و هر کس نافرمانی الله (متعال) و رسولش را کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است. [الأحزاب : 36].

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه
أجمعین.

پایان



فهرست

- پیشگفتار 1
- پروردگارم الله (متعال) است 5
- پیامبرم محمد (صلی الله علیه وسلم) 10
- قرآن کریم کلام پروردگارم است 13
- با ارکان اسلام آشنا می شوم 15
- با ارکان ایمان آشنا می شوم 23
- وضوء را می آموزم 35
- مسح بر بوت ها و جراب ها 43
- الغسل 47
- تیمم 49
- نماز را می آموزم 51
- حجاب زن مسلمان 58
- از ویژه گی های مومن 61
- خشنودی من در دین اسلام است 64